



آزمونک درس هجدهم دوازدهم

ردیف	سوالات	بارم
۱	معنی کدام واژه نادرست است؟ (الف) عتاب: تندی (ب) تسکین: آرامش (ج) مخیله: ذهن (د) غرس: بُریدن درخت	۰/۲۵
۲	در کدام گزینه نادرستی املائی به کار رفته است؟ (الف) نه توجّهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد / و نه اهمّیتی به چین و شکن های ناگزیر سالخورده گی می دهد. (ب) چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است. / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟ (ج) آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد، / اما جان صادق من، آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟ (د) همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.	۰/۲۵
۳	املائی کدام کلمه در متن زیر نادرست است؟ درست آن را بنویسید. «یکی از مردان معمر دهکده که کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستر خویش در آن می نگریست، با کودکان هم آواز گشته بود و با آن ها درس را با صدای بلند تکرار می کرد. صدای وی چنان با شوق و هیجان آمیخته بود که از شنیدن آن بر ما حالتی قریب دست می داد و هوس می کردیم که در عین خنده، گریه سر کنیم.»	۰/۲۵
۴	در سروده «و نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است.» (الف) نوع و زمان فعل «آمده است» را بنویسید. (ب) ترکیب «احساس عشق» وصفی است یا اضافی؟	۰/۵
۵	نوع حذف را در موارد زیر مشخص کنید. (الف) چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن؟ (ب) امروز خورشید در دشت آینه دار من و تو	۰/۵
۶	کدام اثر مربوط به بخش ادبیات جهان است؟ الف) از پاریز تا پاریس (ب) قصه های دوشنبه	۰/۲۵
۷	در سروده «همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش دهد.» ترکیب «دست زمان» اضافه استعاره است یا تشبیهی؟	۰/۲۵

پاسخنامه سؤالات

۱- گزینه «د» (غرس: نشان دادن و کاشتن درخت و نهال)

۲- گزینه «الف» (سالخورده گی ← سالخوردگی)

۳- قریب ← غریب

۴- الف) ماضی نقلی (ب) اضافی (اسم + اسم)

۵- الف) لفظی (مانده است) (ب) معنایی (است)

۶- گزینه «ب» (قصه های دوشنبه اثر آلفونس دوده)

۷- دستِ زمان: اضافه استعاره (زمان به انسانی تشبیه شده که دست دارد.)



ردیف	سوالات	بارم
۸	مفهوم کنایی جملات زیر را بنویسید. الف) دل به دریا زدم و به اتاق درس وارد شدم. ب) هنگامی که من از این احوال، غرق حیرت بودم. ج) گفתי این مرد نازنین می خواست همهٔ معلومات خود را در مغز ما فرو کند. د) بغض و اندوه، صدرا را در گلویش شکست.	۱
۹	موارد زیر را به نثر روان معنا نمایید؟ الف) آیا چیزی در مخیلهٔ آدمی می گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟ ب) هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم.	۰/۷۵
۱۰	در متن: «معلم برای ما سرمشق هایی تازه انتخاب کرده بود که بر بالای آنها عبارت «میهن، سرزمین نیاکان، زبان ملی» به چشم می خورد. این سرمشق ها که به گوشهٔ میزهای تحریر ما آویزان بود، چنان می نمود که گویی در چهار گوشهٔ اتاق، درفش ملی ما را به اهتزاز درآورده باشند.» چرا رازی داستان، سرمشق ها را همچون درفش ملی می داند؟	۰/۲۵
۱۱	مفهوم مشترک بیت «یک قصهٔ بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می شنوم، نامکرر است» و سرودهٔ زیر را بنویسید. «هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: که تو از آن منی و من از آن تو»	۰/۲۵
۱۲	شاعر در بیت زیر، ارزشمندی دل را در داشتن چه چیزی دانسته است؟ «هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست»	۰/۲۵
۱۳	شاعر در دو بیت زیر، چه عاملی را در هدایتگری و راهنمایی بندگان مؤثر می داند؟ «ندارد راه فکر و روشنایی ز لطف پرتوی دارم گدایی اگر لطف تو نبود پرتوانداز کجا فکر و کجا گنجینه راز؟»	۰/۲۵

پاسخنامه سؤالات

۸- الف) جرئت کردم ب) بسیار شگفت زده بودم ج) همهٔ معلومات خود را به ما یاد دهد د) نتوانست سخنش را بگوید.

۹- الف) آیا چیزی در خیال انسان می گنجد که نویسنده آن را بنویسد، اما وجود آن را برای تو ننوشته باشد؟

ب) هر روز باید یک سخن خاص (عاشقانه) را پیوسته بگویم.

۱۰- زیرا زبان ملی هر کشوری نشانهٔ هویت آن است.

۱۱- نامکرر بودن و تازگی عشق

۱۲- بهره مندی از عشق

۱۳- لطف خدا